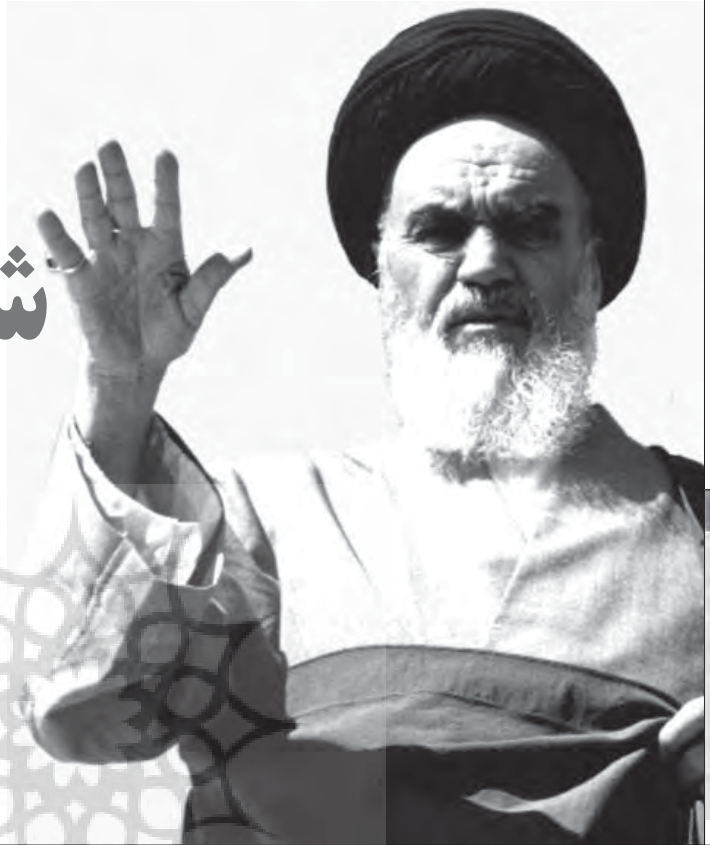


شاخص ولایت

هنر و هنرمندان در کلام امام (ره)



✦ تدوین و تنظیم: محمد کامران نصیری ارجنان
پژوهشگر و کارشناس علوم سیاسی

اشاره

جایگاه و نقش بی‌بدیل «هنر» و «هنرمندان» در ارائه شایسته حقایق و معارف دینی، به‌گونه‌ای جامعه‌پذیر و جامعه‌پسند که بتواند رنگی از بقا و ماندگاری را بر اندیشه و ذهن مخاطبان جویای حق و حقیقت زند، آنچنان است که کمتر کسی بر درستی آن، تردید روا می‌دارد و بر نادرستی آن، مهر تأیید می‌زند؛ به‌ویژه در روزگار رسانه‌ها که سرشار از آمیزه رو به فزونی «فناوری» و «هنر» هستند و برگی برنده در ابلاغ، تأثیرگذاری و نهادینه‌سازی پیام‌های ریشه‌دار در ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی دینی و فرهنگی جامعه به‌شمار می‌آیند.

نگاهی منصفانه و واقع‌بینانه به چنین جایگاه و نقشی بی‌بدیل، نشان از آن دارد که هر زمان که لحظه‌ای غفلت آگاهانه یا ناآگاهانه بر چهره اندیشه و فکر اندیشمندان و صاحب‌نظران، به‌ویژه فقیهان، در این باره نشسته است، به‌طور حتم، هنر و هنرمندان به ابزاری در دست اربابان زر و زور و سودجویان بی‌خبر از معنویت تبدیل شده‌اند و چه استفاده‌های ناروا و بهره‌گیری‌های غیراخلاقی که از رهگذر این غفلت‌ها، نصیب جامعه بزرگ اسلامی نشده و نمی‌شود و چه چیزهایی که به بار نیامده و نمی‌آید و چون مانعی سنگین در برابر بالندگی و رشد جامعه قدم علم نکرده و نمی‌کند.

بیان گهربار و کلام ژرف پیر سفرکرده به خوبی گویای چنین جایگاه و نقش، و چنین اهمیت و ضرورتی است که در پیش روی علاقه‌مندان به راه و کلام امام (ره) قرار می‌گیرد:

هنرمندان

۱- هنرمندان منحرف

۱-۱- هنرمندان وابسته در خدمت مقاصد شوم: من شاهد بودم که روحانیت را به اسم ارتجاع و اسم‌های ننگین دیگر در نظر ملت ساقط نمودند و سنگ‌های بزرگ اسلام را یکی پس از دیگری با دست جوانان بی‌خبر از عمق توطئه‌ها شکستند، و راه را برای مقاصد شوم استعمارگران باز کردند، و شاعران درباری و نویسندگان مزدور و گویندگان وابسته بر ضد اسلام، و خدمتگزاران به کشور و اسلام، از رجال پاکدامن گرفته تا علمای بزرگ طراز اول، با قلم و زبان و شعر و مقاله، آنان را از ملت و ملت را از آنان جدا کردند، و سایه شوم استبداد و استعمار را در طول پنجاه‌سال، آنچنان بر سرتاسر کشور عزیزمان گسترده کردند که احدی را مجال گفتن حق نماند.^۱

۱-۲- نقش هنرمندان در تهی کردن

اعتقادات مردم: سال‌های طولانی زحمت کشیده‌اند، یک قشر از روشنفکر باقلم، با تبلیغ، با تعلیم، زحمت کشیده‌اند، یک قشر مطبوعاتی و رسانه‌های گروهی با همه قدرت زحمت کشیده‌اند که این کشور را از خودش تهی کنند؛ یعنی، اعتقادش را اینطور کنند، مغزشان را شستشو کنند و اینها را معتقد کنند به اینکه شما هیچ نیستید، باید تحت لوای یا شرق یا غرب [زندگی کنید] غرب می‌گفت تحت لوای غرب، شرق می‌گفت تحت لوای شرق باید زندگی کنید، و الا هیچ کاری از شماها ساخته نیست.^۲

۱-۳- کمبود هنرمندان معتقد به

ارزش‌های اسلامی: مدت‌ها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزش‌های اسلامی هستیم و اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست، به‌خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکر عادت کرده بود. لذا ساختن تئوری که مطابق با اخلاق انسانی-اسلامی باشد زحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد، نیازمند به صرف مدت‌ها وقت است. هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند و هنر آنها هم که عبارت بود از چیزهای مبتذل، جز این نبود که افراد و جامعه ما را در دانشگاه‌ها و خارج و داخل طوری تربیت کنند که همه را منحرف سازد.^۳

۱-۴- نژادپرستی و اسلام‌ستیزی

هنرمندانه: در رژیم سابق تمام چیزها خصوصاً فرهنگ و هنر، محتوایش عوض شده بود. یعنی کسی که نام سینما را می‌شنید، خیال می‌کرد که آنجا باید مرکز فساد و سوءاخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد، و یا کلمه تئاتر در ذهن انسان چیز مبتدلی بود که از آن بهره فساد برده شود، هکذا همه چیز دیگر. و عمده این است که ما ذهن این جوان‌ها و حتی پیرها و روشنفکرانماها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و اینطور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم و حتی اخلاق و زبانمان را نیز از آنها یاد بگیریم. در حالی که عده‌ای زبان خودشان را کنار گذاشته و ارزش را به چند کلمه انگلیسی در کتابی می‌دانند، با اینکه با زبان خودشان همان مطلب را می‌شود فهماند. اگر در کتابی چند کلمه خارجی نباشد، آن کتاب را بدون ارزش می‌دانند. آنها می‌خواستند که تمام وجود ما در اختیارشان باشد که هر طوری می‌خواهند عمل کنند. و شما تابلوها را دیده بودید که اکثر از دوافروشی گرفته تا کتاب‌فروشی و غیره دارای اسم‌های خارجی بودند، و این همه به خاطر این بود که ما فرهنگ خودمان را فراموش کنیم. و عده‌ای هم به نام «فرهنگ ایران باستان» از اسلام فرار می‌کردند، که چندی پیش عده‌ای از اینها که در خارج اجتماع کرده بودند یکی از حرف‌هایشان این بود: «تعجب است که ما باید روزانه هفده مرتبه رو به کعبه عرب‌ها دولا راست بشویم و نماز بخوانیم، و اگر ما از عرب‌ها فرهنگ ایران را بگیریم جز شتر چیزی نمی‌ماند» در صورتی که اروپایی‌ها و دانشمندان اروپا هم قائل به این مطلب‌اند که تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدن‌هاست. و در سابق به هر یک از ایرانیان از کودکی تزریق می‌شد که باید همه چیز از اروپا گرفته شود و ارزش‌های انسانی به هرچه بیشتر فرنگی شدن است و باید از سرتاپا فرنگی شویم. و این آقایان نمی‌نشینند و مقایسه کنند که در تمام مسائل بین فرهنگ اسلام و فرهنگ‌های دیگر چه تفاوت‌هایی است. و آیا به صرف اینکه اسلام از عرب آمده ما باید با آن مخالفت کنیم، و آیا این همان نژادپرستی نیست که اروپایی‌ها می‌خواهند به وسیله آن ما را به استعمار بکشند و بین طوایف عرب و عجم و ترک جدایی بیندازند؟^۴

۲- هنرمندان متعهد

۲-۱- ناتوانی هنرمندان از ترسیم جلوه‌های معنوی: گیرم که قلمفرسایان هنرمند بتوانند میدان‌های شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق‌العاده آنها را در زیر آتش مسلسل‌ها و توپ‌ها و تانک‌ها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشگان بتوانند پیروزی‌های هنرمندانه آنان را در آن شب‌های تار در مقابل موشک‌ها و بمب‌افکن‌های دشمن غدار و عبور از پیچ و خم‌های سیم‌های خاردار و کوه‌های سربه‌فلک‌کشیده و بیرون کشیدن دشمنان خدا از سنگ‌های بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته مجسم نمایند؛ لکن آن بعد الهی عرفانی و آن جلوه معنوی ربانی، که جان‌ها را به سوی خود پرواز می‌دهد، و آن قلب‌های خوب‌شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می‌توان ترسیم کرد.^۵

۲-۲- مسئولیت هنرمندان: هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده‌اند. هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدس‌مان اینگونه بودند، تا به ملاً اعلا شتافتند و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند و در راه پیروزی اسلام عزیز تمام مدعیان هنر بی‌درد را رسوا نمودند. خدایشان در جوار رحمت خویش محشورشان گرداند.^۶

۲-۳- ارزش خون هنرمندان فرزانه: خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمایه زوال‌ناپذیر آنگونه هنری است که باید، به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند.^۷

۳- وظیفه هنرمندان

۳-۱- استفاده از هنر نویسندگی برای خیر ملت: من چیزی که از نویسندگان می‌خواهم این است که همان‌طور که ما طلبه‌ها مکلف هستیم، شما آقایان نویسندگان هم مکلف هستید. الان از قلمتان استفاده کنید و برای خیر این ملت و برای خیر این جامعه قلمفرسایی کنید.^۸

۳-۲- ایجاد امید و اعتماد به نفس در ملت: امید در خودتان ایجاد کنید. نویسنده‌های

ما، گویندگان ما همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند. مایوس نکنند ملت را، بگویند توانا هستیم. نگویند ناتوان هستیم؛ بگویند خودمان می‌توانیم و واقع همینطور است، می‌توانیم. اراده باید بکنیم. نویسنده‌های ما بهترین خدمتشان امروز این است که ملتی که ایستاده در مقابل شرق و غرب و نمی‌خواهند تحت نظام شرق یا نظام غرب باشد، امید به آنها بدهند که می‌توانید تا آخر وابسته به شرق و غرب نباشید. اگر این نویسنده‌ها، این گوینده‌ها به جای اینکه به هم اشکال تراشی بکنند، به جای اینکه به جان هم بریزند، با هم امید در ملت ایجاد کنند، اطمینان در ملت ایجاد کنند، استقلال روحی در ملت ایجاد کنند، اگر این خدمت را این رسانه‌های گروهی، این مطبوعات، این نویسندگان، این گویندگان، این اطمینان را در ملت ایجاد کنند ما تا آخر پیروز هستیم. و حیف است که یک ملتی که ایستاده و خون جوانان خودش را داده و همه چیزش را فدای اسلام و استقلال کشور کرده ماها که گوینده هستیم، نویسنده هستیم، آنهایی که در مطبوعات چیز می‌نویسند، در رادیو و تلویزیون صحبت می‌کنند، حیف است که اینها توجه به این معنا نداشته باشند که باید این ملت را امیدوار کرد، و باید مطمئن کرد ملت را.^۹

۳-۳- نویسنده‌گان در معرض امتحان:
گویندگان ما، نویسندگان ما، کسانی که در این موقع می‌خواهند صحبت بکنند، توجه داشته باشند که آیا مالک خودشان هستند؟ می‌توانند ادعایی را که حضرت موسی، پیغمبر بزرگ کرد، آنها هم بکنند، که اِنِّی لَا اَمَلِکَ الْاَنْفَسِیْ وَ اُخِی (ماآده: ۲۵). برادر او هم یک برادری بود که پیغمبر بود، کلام حضرت موسی برای او کلامی بود که اجرا می‌شد. اما کسی که به این مقام نرسیده است باید بگوید: اِنِّی لَا اَمَلِکَ الْاَنْفَسِیْ وَ اُخِی. نه بگوید: اِنِّی لَا اَمَلِکَ الْاَنْفَسِیْ وَ اُخِی.

برادرهای ما توجه داشته باشید، در گفتار شما، در نوشته‌های شما، اگر خدای نخواست یک تفرقه‌ای ایجاد بشود، یک سرکوبی بخواهید از دشمنان، به خیال خودتان، از رقیب‌های خودتان بکنید، و این موجب بشود که دلسردی برای ارتش حاصل بشود، دلسردی برای سپاه پاسداران، دلسردی برای پاسبانان و شهربانی حاصل بشود، و یک قتل‌هایی واقع بشود به واسطه همین دلسردی، شماها شریک هستید در

آن قتل، راضی هستید به آن قتل. در روایات هست که اگر کسی در مشرق کشته شود و مظلوم کشته شود و یکی در مغرب به او راضی باشد، این هم شریک قتل اوست. توجه کنید که قلم‌های شما شریک خنجرهایی که از پشت به ما می‌زنند، نباشد.

توجه کنید که زبان‌های شما، قلم‌های شما چماق نباشد، و با همان قلم بنویسید که چماق بد است! توجه کنید که قلم‌های شما و زبان‌های شما مسلسل نباشد که به سینه این جوان‌های ما وارد بشود، و آن وقت بگویید که به ما حمله شده است! شما هم حمله کردید. فقط صدام نیست، شما هم شریک خواهید بود. قبل از اینکه به نطق‌ها بروید و قبل از اینکه مقاله‌ها بخواهید بنویسید و قبل از اینکه تیتراها را بخواهید درشت بنویسید، با خودتان خلوت کنید و ببینید که برای چه این کار را می‌کنید؟ مقصد شما چه است؟ شما حق را

هنر در مدرسه عشق نشان‌دهنده
نقاط کور و میهم معضلات اجتماعی،
اقتصادی، سیاسی و نظامی است.
هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن
عدالت و شرافت و انصاف، و تجسیم
تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و
پول است.

برای حق می‌خواهید، یا حق را از رقبای خودتان نمی‌پذیرید؟ باطل را برای باطل از آن متفر هستید؟ یا باطل را از دوستان خودتان می‌پذیرید؟ شما خودتان را امتحان کنید.^{۱۰}

۳-۴- خنثی‌سازی تبلیغات دشمنان:
نویسندگان و روشنفکران متعهد و رسانه‌های گروهی بر حجم تبلیغات خود افزوده و تبلیغات دامنه‌دار دشمنان جمهوری اسلامی ایران را خنثی نمایند.^{۱۱}

۳-۵- رسالت هنرمندان نسبت به جنگ تحمیلی: لازم است ملت شریف ایران عموماً و خصوصاً دولتمردان و گویندگان و نویسندگان و شاعران و هنرمندان از این قشرهای فداکار هر یک به سهم خود قدردانی نمایند و

مراحل مختلف پیروزی این حماسه‌آفرینان را با گفتار و نوشتار و کردار خود در معرض نمایش گذارند، و در محافل «هفته جنگ» فواید و نتایج و پیامدهای آن را برشمارند، و روح شجاع این رزمندگان بزرگ را هر چه بیشتر تقویت کنند.^{۱۲}

۳-۶- بیدارگری و روشننگری ملت‌ها:

امروز تکلیف همه شما آقایانی که از خارج تشریف آوردید، شعرای شما، نویسندگان شما، گویندگان شما، این است که شعرا را اشعارشان قضایای این انقلاب را منعکس کنند؛ اگر توانستند در مجامع عمومی و اگر نتوانستند حتی در مجامع خصوصی هم محفوظ بمانند برای نسل‌های آتی‌های که فرزندان‌شان الآن بعضی‌شان از کوچولوهای که در ۲۲ بهمن متولد شده‌اند، و آنهایی که در طول تاریخ می‌آیند. باید مردم را، مردم جهان را، مستضعفان جهان را آگاه کنید، آگاه کنیم به اینکه چه مصائبی بر اینها وارد شده است و در تحت چه شرایطی زندگی می‌کنند و آنان که به آنها حکومت می‌کنند تحت چه شرایطی هستند و وضع زندگی مالیشان چطور است. آنهایی که از دولت‌های اسلامی هستند، ذخایر خودشان را به کجا خرج می‌کنند و در جیب کی می‌ریزند، در عین حالی که ملت‌های آنها گرسنه هستند، ملت‌های آنها فقیر هستند و بسیاری از آنها از گرسنگی تلف شدند و اینها ذخایر خودشان را، ذخایری که مال خود این ملت است و آنها غاصب هستند، به جای اینکه برای ملت خودشان ولو عشری از اعشار آن را خرج می‌کردند و اینها به رشد می‌رسیدند، تماشا را تسلیم می‌کنند به آنهایی که دشمن اسلام‌اند. شعرا در طول تاریخ باید بنویسند این امور را و به شعر، مردم را بیدار کنند. نویسندگان اگر می‌توانند در نطق‌ها و نوشته‌های خودشان، در مجامعی که می‌روند در شهرهای خودشان، در کشورهای خودشان مسائل ایران را ابلاغ کنند؛ و اگر نمی‌توانند در کتب و رساله‌های خودشان ثبت کنند که بعدها وقتی که مردم در نسل‌های بعد می‌آیند، ببینند که دشمن‌های آنها کی هست و دوستان آنها کی و تکلیف آنها با دوستانشان و دشمنانشان چیست. اگر ما در تبلیغ قصور کنیم، اگر ما در گفتن و نوشتن شعر و نثر و همه نحو نوشتن و گفتن قصور کنیم، ما مدیون نسل‌های آینده هستیم که ممکن بود با نوشته‌های شما، با نوشته‌های نویسندگان عزیز و با اشعار آنها، بیدار بشوند و

مطلع بشوند بر اینکه بر این ملت‌ها در این زمان چه گذشته است و ماها چه تحمل رنج‌ها کردیم، بلکه آنها درصدد علاج برآیند، و امروز نیز ما باید درصدد علاج برآییم.^{۱۳}

۳-۷- لسان شعر، بالاترین لسان:

همه شما و همه ملت‌های ضعیف دردها را می‌شناسند، می‌دانند که از کجا صدمه می‌بینند و کی به آنها صدمه می‌زند و چه رژیمی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد، و درمان را باید بدانند که تا جهان مبتلا به این جنایتکاران است و وابستگان به این جنایتکاران، روی خوش نخواهد دید. و ما، همه شماها که نویسنده هستید و خصوصاً شعرا که لسان شعر بالاترین لسان است، باید مردم را آگاه کنیم، نسل‌های فعلی را، نسل‌های آینده را و بنا بگذاریم بر اینکه اگر نمی‌شود در جوامع عمومی، از جوامع خصوصی و از افرادی که با آنها آشنا هستیم شروع کنیم، و شمه‌ای از این مسائلی که در ایران واقع شده است - و شاید بسیاری از شما بدانند - با مصیبت‌هایی که در این زمان واقع شده است و دارد واقع می‌شود مردم را آگاه کنید، و از شیوه مبارزه‌ای که در اینجا شروع شد از اول، و به خواست خدای تبارک و تعالی تا اینجا که آمده است هر روز رشد کرده است، این شیوه را به آنها گوشزد کنید. لازم نیست که ابتدائاً یک عده کثیر باشند، عده‌های کوچک و افراد کم، کم‌کم این قطره‌ها با هم جمع می‌شوند و دریا تشکیل می‌دهند.^{۱۴}

۳-۸- تکلیف هنرمندان: اکنون در این

دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است، تکلیف ملت‌های دربند این ابرقدرت‌ها و انگل‌های آنها چیست؟ باید بنشینند و این صحنه‌های جنایت‌بار را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد؟ آیا روحانیون، نویسندگان، گویندگان، روشنفکران، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند، در این زمان تکلیفی انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفا کنند؟ و یا آنکه باید این سران و سردمداران با گفتار و نوشتار خود، ملت‌های مظلوم دربند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند، چونان که در ایران با همت ملت بزرگوار شد. آیا در منطقه قدرتی به پایه قدرت رژیم ظالمانه شاهنشاهی و ستمشاهی بود و ملتی همچون این

ملت مظلوم دربند بود؟ و دیدید که با دست خالی و ایثار جان و توان در مدت کوتاهی از بندها رها و ستمگران و دزدان را یا دربند کشیدند و یا بیرون راندند. محرومان و ستمدیدگان تاریخ باید خود برخیزند و انتظار نکشند که ستمکاران آنها را از بند نجات دهند.^{۱۵}

۳-۹- گوشه‌ای از وظیفه هنرمندان:

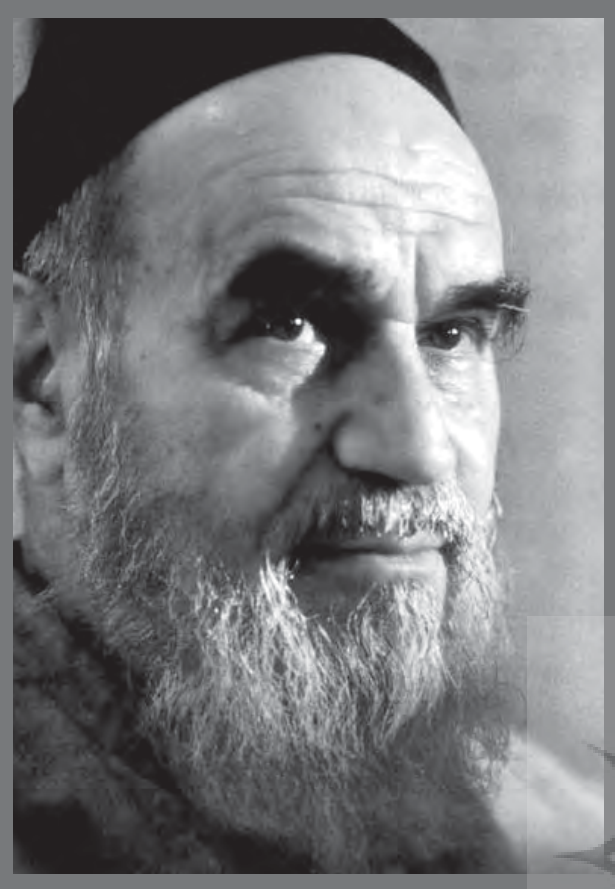
امروز همه از تصویر این صحنه‌های معنوی - انسانی عاجزند. و اینجانب که به نویسندگان و گویندگان و تحلیلگران و هنرمندان و نقاشان و همه و همه پیشنهاد می‌کنم تا همیشه آنچه در توان دارند در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم این سلحشوران عظمت‌آفرین و ملت ایران و اسلام بزرگ نمایند، برای آن است که به گوشه‌ای از وظیفه اسلامی، انسانی، ملی، میهنی، هرچند کوچک خود عمل نمایند، والا خداوند شکور است که نام این عظمت‌آفرینان را در این جهان بلند و مقامشان را در ملکوت اعلی به نمایش می‌گذارد.^{۱۶}

۳-۱۰- غفلت‌زدایی از مردم: اکنون

بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می‌برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می‌خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت‌زدایی نمایند، و آنها را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می‌باشد.^{۱۷}

۳-۱۱- آموختن روش زندگی

شرافتمندانه: رسانه‌های گروهی، به‌ویژه صداوسیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمت‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاه‌هایی که شب‌وروز، ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صداوسیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم‌ها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و بیشتر کار کنند؛ و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند



هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده‌اند.

بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده‌اند. و هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدس‌مان اینگونه بودند، تا به ملاً اعلا شتافتند و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند و در راه پیروزی اسلام عزیز تمام مدعیان هنری بی‌درد را رسوا نمودند. خدایشان در جوار رحمت خویش محشورشان گرداند.^{۱۸}

۵- فیلم

۱-۵- ارزش‌های فیلم‌های ایرانی: ما بحمدالله گویندگان و نویسندگان خوب داریم. ما همه چیز داریم. من غالباً فیلم‌هایی که خود ایرانی‌ها درست می‌کنند به نظرم بهتر از دیگران است. مثلاً فیلم **گاو** آموزنده بود. اما حالا این فیلم‌ها باید حتماً از آمریکا و یا از اروپا بیاید با یک بی‌بندوباری، تا روشنفکران غرب‌زده شاد شوند. فیلم‌هایی که از خارج به ایران می‌آید اکثراً استعماری است. بنابراین، فیلم‌های خارجی استعماری را حذف کنید، مگر صددرصد صحیح باشد.^{۲۰}

۲-۵- حرمت گریم اجنبی و تماشای از روش شهوت: باسمة‌تعالی. همچنان که استحضار دارید در برخی از برنامه‌های نمایشی سیمای جمهوری اسلامی ایران نظیر: فیلم‌های سینمایی یا سایر برنامه‌های نمایشی اعم از داخلی و خارجی، زنان نمایشگر حضور دارند که حسب موضوع بعضاً از ضوابط کامل پوشش اسلامی در حد چهره و گردن و موی سر برخوردار نیستند و همچنین در پاره‌ای از ورزش‌های مرسوم از قبیل «کشتی» و «فوتبال» قسمتی از بدن ورزشکاران مرد پوشیده نیست، استدعا دارد جهت روشن‌شدن موضوع نظر مبارک را در خصوص موارد زیر اعلام فرمایید:

- ۱- پخش برنامه‌های تلویزیونی که در آنها برحسب موضوع زنانی ایفای نقش می‌نمایند که ضوابط کامل پوشش اسلامی در حد چهره و گردن و موی سر را رعایت نموده‌اند.
- ۲- پخش برنامه‌های ورزشی نظیر کشتی و فوتبال که در آن قسمتی از بدن مردان ورزشکار پوشیده نیست.
- ۳- نگاه‌کردن به برنامه‌های فوق‌الذکر که از تلویزیون پخش می‌شود. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

محمدهاشمی

تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزد و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کند.^{۱۸}

هنر اسلامی

۴- هنر مورد قبول قرآن

پیام امام خمینی(ره) در تجلیل از هنرمندان متعهد: خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمایه زوال‌ناپذیر آنگونه هنری است که باید، به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیباپسند طالبان جمال حق را معطر کند. تنها هنری موردقبول قرآن است که صیقل‌دهنده اسلام ناب محمدی(صلی‌الله علیه و آله)، اسلام ائمه هدی (علیهم‌السلام)، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه‌خورندگان تاریخ تلخ و شرم‌آور

حیف است که یک ملتی که ایستاده و خون جوانان خودش را داده و همه چیزش را فدای اسلام و استقلال کشور کرده، ماها که گوینده هستیم، نویسنده هستیم، آنهایی که در مطبوعات چیز می‌نویسند، در رادیو و تلویزیون صحبت می‌کنند، حیف است که اینها توجه به این معنا نداشته باشند که باید این ملت را امیدوار کرد، و باید مطمئن کرد ملت را.

محرومیت‌ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد، و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» باشد.

هنر در مدرسه عشق نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف، و تجسیم تلخ‌کامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب، و در رأس آنها آمریکا و شوروی، را بیاموزد. هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را زمین

باسمه تعالی. محترماً معروض می‌دارد، در رابطه با پخش برخی فیلم‌های خارجی یا تولید داخلی و سریال‌هایی مانند **پاییز صحرا، آینه و نفوذ** و غیره و همچنین پخش آهنگ‌های موسیقی از صداوسیما، از سوی امت شهیدپرور شکایاتی به شورای سرپرستی می‌رسد مبنی بر اینکه پخش این فیلم‌ها و سریال‌ها و آهنگ‌ها خلاف شرع مقدس اسلام و مخالف اهداف عالی انقلاب است و با نظام جمهوری اسلامی تناسب ندارد و هزینه کردن بودجه برای ساختن آن اسراف محسوب می‌شود، گو اینکه احیاناً جنبه‌های آموزنده، تفریحی و سرگرم‌کننده نیز دارد.

در انطباق اینگونه موارد با فتاوی موجود در رساله‌های عملیه و **تحریر الوسیله** آن حضرت و احراز و تفکیک مجاز از غیرمجاز اختلاف نظر وجود دارد و نمی‌توان جواب صریح و صحیحی به مستشکلان ارائه نمود. اختلاف سلیقه نیز الی ماشاءالله موجود است و انسان نمی‌داند چه باید بکند و در این شرایط حساس جنگی که از اهم امور است تکلیف چیست؟

نکته دیگر اینکه وقتی شکایات که معمولاً از امت مورد توجه امام بزرگوار می‌باشد به مدیران و مسئولان اجرایی ارجاع می‌شود می‌گویند، امام -مدظله‌العالی- تمام این برنامه‌ها را می‌بینند و آهنگ‌ها را گوش می‌کنند اگر اشکالی داشته باشد تذکر می‌دهند. از آنجا که رسیدگی به شکایات و پاسخ به آنها و اقدام فوری برای رفع نواقص، یکی از وظایف قانونی شورای سرپرستی می‌باشد مستدعی است نظر مبارک را نسبت به موارد یادشده مرقوم فرمایید تا بتوانیم از آغاز دوره جدید وظیفه خطیر شرعی و قانونی خود را به خوبی انجام دهیم و در پیشگاه آن امام عظیم‌الشان و امت الهی ایران مسئول نباشیم.

اسماعیل فردوسی پور

باسمه تعالی. نظر نمودن به این قبیل فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها هیچ‌یک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد. و همین‌طور فیلم‌های ورزشی و آهنگ‌ها اکثراً بی‌اشکال است. گاهی خلاف به‌طور نادر دیده می‌شود، که باید بیشتر مواظبت کرد. لکن دو نکته باید مراعات شود: اول آنکه کسانی که گریم می‌کنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری را انجام دهد. دوم آنکه بینندگان از روی شهوت نظر نکنند.^{۳۱}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- پیام امام در مورد عفو عمومی (۱۳۵۸/۱۲/۲۸).
- ۲- بیانات امام در جمع فرماندهان ارتش (۱۳۶۱/۰۳/۲۲).
- ۳- بیانات امام در دیدار با پرسنل وزارت ارشاد (۱۳۶۲/۰۸/۱۷).
- ۴- بیانات امام در دیدار با پرسنل وزارت ارشاد (۱۳۶۲/۰۸/۱۷).
- ۵- پیام امام به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب (۱۳۶۲/۱۱/۲۲).
- ۶- پیام امام در تجلیل از هنرمندان متعهد (۱۳۶۷/۰۶/۳۰).
- ۷- پیام امام در تجلیل از هنرمندان متعهد (۱۳۶۷/۰۶/۳۰).
- ۸- بیانات امام در جمع نویسندگان ایران (۱۳۵۷/۱۱/۲۹).
- ۹- بیانات امام در جمع کارمندان چاپخانه هفده شهریور (۱۳۵۹/۱۰/۲۹).
- ۱۰- بیانات امام در جمع مسئولان شهرستانی (۱۳۵۹/۱۲/۰۴).
- ۱۱- پیام امام به مناسبت سالروز تشکیل بسیج (۱۳۶۰/۰۹/۰۴).
- ۱۲- پیام امام به مناسبت دومین سالگرد جنگ تحمیلی (۱۳۶۱/۰۶/۳۱).
- ۱۳- بیانات امام در جمع میهمانان خارجی (۱۳۶۱/۱۱/۲۱).
- ۱۴- بیانات امام در جمع میهمانان خارجی (۱۳۶۱/۱۱/۲۱).
- ۱۵- پیام امام به مناسبت شهادت اعضای خانواده آیت‌الله حکیم (۱۳۶۲/۰۳/۲۳).
- ۱۶- پیام امام به مناسبت آغاز هفته جنگ (۱۳۶۲/۰۶/۳۱).
- ۱۷- پیام امام به زائرین بیت‌الله‌الحرام (۱۳۶۳/۰۶/۰۴).
- ۱۸- پیام امام به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۶۳/۱۱/۲۲).
- ۱۹- پیام امام در تجلیل از هنرمندان متعهد (۱۳۶۷/۰۶/۳۰).
- ۲۰- بیانات امام خطاب به مدیرعامل صداوسیما (۱۳۵۹/۰۲/۲۳).
- ۲۱- پاسخ امام به نامه مدیرعامل و یکی از اعضای سرپرستی صداوسیما (۱۳۶۶/۰۹/۳۰).